

بررسی وضعیت ادبیات امروز افغانستان و تعامل با فرهنگ ایران در گفت‌وگو با شاعران خانه ادبیات افغانستان

غفلت از زبان مادری در خانه همسایه



افشین حیدری

روزنامه‌نگار

اینکه مرکز آمار در سرشماری سال ۹۵ اعلام کرده حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر افغان در ایران حضور دارند و از جمله پر تعدادترین اتباع حاضر در ایران هستند؛ فقط رقم و آمار کمی است و صدالبته کیفیت و اشتراکات فرهنگی دو ملت در چنین عددبازی‌های مرسوم دنیای امروز جایی ندارد که سطح همراهی ایرانی و افغانستانی به‌خصوص در این ۴۰ سال، بیش از همجواری و حضور فیزیکی است. قرابت‌های فرهنگی، زبانی و دینی مردمان دو کشور وجه بارزی است که همیشه مورد توجه مهاجران افغان و مردم ایران بوده است. شاید به‌عنوان یکی از بخش‌های ظهور و بروز هنرمند و ادیب افغانستانی در کشور ایران را بتوان به تاسیس خانه ادبیات افغانستان اشاره کرد که در مدت ۱۵ سال از تاسیس آن، فعالیت‌های ارزنده‌ای را در برگزاری نشست‌ها و جشنواره‌های ادبی و گردهمایی‌هایی با حضور ادیبان دو کشور داشته است. به این منظور گفت‌وگویی را با سرور رجایی، از شاعران برجسته افغانستان و عضو هیات‌مدیره خانه ادبیات افغانستان، عارف جعفری، شاعر و آهنگساز و صادق دهقان، استاد دانشگاه ابن‌سینای کابل و عضو هیات‌مدیره خانه ادبیات افغانستان انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

هنرمند زبان فرهنگ ملتش است

محمد سرور رجایی، شاعر و روزنامه‌نگار ۵۰ ساله اهل کابل از سال ۱۳۶۳ به عضویت یکی از احزاب جهادی در آمده و مشغول کارهای فرهنگی است. در مقاومت غرب کابل حضور داشته و با مهاجرت به ایران در سال ۱۳۷۳، فعالیت‌های فرهنگی-ادبی خود را به صورت حرفه‌ای در تهران دنبال می‌کند که یکی از نتیجه‌های ماندگار آن تاسیس خانه ادبیات افغانستان در سال ۱۳۸۲ است. در حال حاضر عضو هیات‌مدیره و معاون خانه ادبیات افغانستان و مدیر دفتر شعر و داستان افغانستان در حوزه هنری است.

شاعران افغانستان بیشتر در چه قالب‌هایی مطرح شدند و تصویری که از شعر افغانستان می‌توان ارائه داد به چه صورت است؟
در این سال‌ها شاعران افغانستان در دو حوزه شعر سپید و کلاسیک (غزل) بسیار خوش درخشیدند و شاید یکی از دلایل آن را بتوان به خاطر مطرح کردن راحت دردها و مشکلات در این دو قالب شعری نام برد. در حوزه سرودن اشعار رباعی، شاعرانی هستند که فعالیت‌های جدی دارند اما تعداد آنها کمتر از دیگر شاعران است.

فعالیت ادیبان و هنرمندان افغانستان چند سالی است که در سایه خانه ادبیاتی که راه‌انداختید، دنبال می‌شود. در باره آن و اینکه از کجا حمایت می‌شود، توضیح دهید.

پس از سال‌ها فعالیت بدون انجمن، بالاخره در سال ۸۲، خانه ادبیات افغانستان را به همت تعدادی از شاعران و نویسندگان تاسیس کردیم تا بتوانیم هنرمندان هم‌وطن خود را در کنار همدیگر داشته باشیم و هر چه بهتر آثار خود را به ایرانیان و مردم دنیا بشناسانیم. در مدت ۱۵ سالی که از عمر خانه ادبیات می‌گذرد، جشنواره‌های مختلفی از جمله دوره جشنواره قند پارسی را در سرتاسر دنیا و به شکل رقابتی و به‌صورت دوسالانه برگزار کردیم. ۶ دوره جشنواره روایت همدلی که قرار است در آبان ماه، هفتمین دوره آن برگزار شود از سایر کارهای ما است. چاپ آثار ادبی مخاطب‌پسند در ایران و افغانستان و برگزاری جلسات منسجم و منظم نقدهای ادبی در کابل و تهران از کارهای دیگری است که باید به آن اشاره کرد. باید بگویم تاسیس خانه ادبیات باعث شد از رهگذر آن تعداد بسیار زیادی از مشتاقان ادبیات را در قالب کلاس‌های ویراستاری، پژوهش‌های ادبی، سبک‌شناسی و... در تهران و کابل آموزش دهیم.

البته معتقدم خانه ادبیات افغانستان، تنها به رشته‌های ادبی اختصاص ندارد بلکه در آن می‌توان به بخش‌های دیگر هنری نظیر آموزش موسیقی، نمایش، نقد فیلم و... با حضور کارشناسان ایران و افغانستان اشاره کرد. برگزاری کنسرت‌های مختلف با همکاری گروه‌های گوناگون دو کشور هم تاکنون به صورت موردی برگزار شده که قابل توجه بوده است.

تقریباً بیشتر برنامه‌ها توسط هیات‌مدیره و با کمک‌های اعضا صورت می‌گیرد و همه به‌نوعی خودشان را در این مسیر همراه می‌دانند و هیچ شخصی از اعضای هیات‌مدیره هیچ‌گونه چشم‌داشت مادی در این خصوص ندارد و همه برای اعتلای فرهنگ و هنر افغانستان از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنیم.

البته در خصوص برگزاری برنامه‌های بزرگ فرهنگی و هنری مثل جشنواره‌ها و رونمایی‌های کتاب به دنبال جذب کمک

نهادهای دولتی و خصوصی بودیم ولی اینکه کمک‌ها در طول سال استمرار داشته باشد، به این صورت نبوده است.

شعر افغانستان تا رسیدن به نقطه اوج خود چقدر فاصله و در این مسیر چه چیزهایی نیاز دارد؟

در سال‌هایی که با وجود سختی‌ها و غم غربت وطن روبه‌رو بودیم، ادبیات ما سعی کرده تا جایگاه خودش را حفظ کند اما همیشه طی کردن این مسیر و رسیدن به بهترین جایگاه‌ها کمی دشوار و گنگ بوده است. به نظر ما وقتی که دارای وضعیت خوب و صلح پایدار در افغانستان نباشیم و از دغدغه‌های ذهنی هنرمندان کم نشود، نمی‌توان امیدوار بود که چهره‌های ادبی و آثار ما آن طور که باید به جهانیان معرفی شود؛ البته حتی با وجود همین مشکلات پیش‌رو، بسیاری از ادیبان ما آثاری را به چاپ رسانده‌اند که شهرت جهانی پیدا کرده است و از جمله آنها می‌توان به مجموعه داستان محمدحسین محمدی از اعضای هیات‌مدیره خانه ادبیات اشاره کرد که به زبان ایتالیایی و ژاپنی نیز منتشر یا مجموعه شعر «دریغا ما عمر» آصف سلطان‌زاده به زبان عربی منتشر شده است. مطمئناً اگر از دولت فرهنگ دوستی بهره‌مند بودیم و شرایط ویژه‌ای را برای هنرمندان و ادیبان فراهم می‌کرد تا خود را هر چه بهتر معرفی کنند، شاید تا الان تعداد زیادی از هنرمندانی را داشتیم که آثار آنها در عرصه‌های جهانی منتشر شده بود.

ارتباط مجموعه خانه ادبیات افغانستان با نویسندگان و شاعران داخل کشورتان و مهاجران سایر کشورها چطور است؟

خانه ادبیات علاوه بر تهران، دفتری نیز در کابل دارد که توانسته ارتباط‌های خوبی را میان هنرمندان داخل و خارج به‌وجود آورد. البته هنرمندان ما در کشورهای دیگر فعالیت‌هایی دارند اما به دلیل بعد مسافت شهرها، کارهای گروهی کمتر اتفاق می‌افتد و افراد به‌صورت انفرادی کار می‌کنند. در کشور

سوئد این موضوع کمی فرق می‌کند و کار هنرمندان شکل تجمعی‌تری به خود گرفته و در طول سال چندین نشست ادبی برگزار می‌شود. در کنار فعالیت ادبی؛ جشنواره فیلمی هر ساله و مخصوص مهاجران افغانه در مدت سه تا چهار روز در استکهلم سوئد برگزار می‌شود که در میان برنامه‌های آن شعرخوانی شاعران را داریم.

وجه اشتراک فرهنگ و زبان چقدر در تاثیرپذیری و الهام گرفتن شاعران دو کشور ایران و افغانستان تاثیر گذاشته است؟

بدون شک نمی‌توان از نقش بی‌بدیل و تاثیرگذار شاعران ایرانی در سروده‌های شاعران افغانستان غافل بود. اما هر چه به

جلو حرکت کردیم، شاعران ما پخته‌تر شدند و حتی حضور شاعران طراز اول ایران در بعضی برنامه‌های خانه ادبیات نشان از توجه به مقوله ادبیات افغانستان می‌دهد. چاپ شعری از محمد کاظم کاظمی، شاعر نام‌آشنای افغانستان در کتاب‌های درسی ایران می‌تواند نویدبخش این مهم باشد که شاعران افغانستانی در ادبیات این مرز و بوم تاثیرگذار بودند. چند سال پیش شعری توسط شاعر افغانستانی سروده شد که مورد استقبال بسیاری در دو کشور قرار گرفت و حتی در یکی از جشنواره‌های ادبی ایران نیز شاهد بودیم که عده‌ای این شعر را به اسم خود در جشنواره شرکت داده بودند یا نمونه همین اتفاق در افغانستان رخ داد و شنیدیم که یکی از شاعران افغانستانی در برنامه‌ای، شعری را از یک شاعر ایرانی به‌عنوان شعر خود خوانده بود که این موارد نشان از تاثیر فرهنگی دو کشور بر همدیگر است.

به چاپ آثار نویسندگان و شاعران افغانستانی اشاره کردید. این بازار چقدر در ایران و چقدر بازار کتاب‌های ایرانی در افغانستان مورد استقبال و توجه بوده است؟

بخش توزیع کتاب مشکل اصلی است که در ایران با آن روبه‌رو هستیم. این تعریف نادرست بیشتر براساس سلیقه‌ها صورت می‌گیرد و نه تنها شامل ما بلکه هنرمندان ایرانی هم می‌شود.

مردم افغانستان نیازمندی خیلی زیادی به ادبیات ایران دارند و تقریباً از هر شاعر خوب ایرانی که آثاری منتشر شود، خرید می‌کنند به طوری که باید بگویم امروزه ۷۰ درصد از بازار کتب ادبی افغانستان در انحصار تالیفات ایرانی است. درحالی‌که این نیازمندی در ایران کم‌تر وجود دارد و نگاه از بالا به پایین



کسه به آثار ما وجود دارد، باعث می‌شود تا آثار کمتری از ما در داخل ایران خریداری شود. البته با اتفاقات خوبی که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب صورت می‌گیرد شاهد فروش‌های خوبی در آن هستیم اما این فروش آن‌طور که باید در کتاب‌فروشی‌ها و توسط ناشران صورت نمی‌گیرد. بارها به مسئولان فرهنگی افغانستان پیشنهاد کردم که غرفه‌ای از فعالیت‌های ادبی را در شهرهای بزرگ ایران راه‌اندازی کنند تا مردم و مهاجران افغانی هر چه بهتر با تولیدات و آثار فرهنگی و هنری ما آشنا شوند.

مشکلات داخلی افغانستان همیشه در اشعار شاعران شما انعکاس داشته است. فکر نمی‌کنید پرداختن بیش از حد به این مسائل، باعث به تکرار افتادن و دو چندان شدن اندوه مخاطب شود؟
نقد و بیان مسائل اجتماعی وجه بارز اشعار ما به حساب می‌آید. هنرمند زبان فرهنگی ملتش است و باید بیانگر اتفاقات مردم خود باشد. در این زمینه ادیبان افغانستانی هم از این قاعده مستثنی نیستند. در شرایطی که مردم افغانستان به دلیل جنگ‌های داخلی با طالبان مجبور به ترک وطن شدند، شاعران با الهام از این موضوع به سرایش اشعاری با مضمون اندوه و غم غربت روی آوردند. به مرور زمان و با فاصله گرفتن از این اتفاقات، اندوه شخصی شاعران جای خود را به اندوه‌های اجتماعی داد و حتی این تغییر رویه و سرودن اشعار عاشقانه چند سالی است که جای خود را در شعر افغانستان باز کرده است.

مفهوم و باورهای دینی چقدر در ادبیات امروز افغانستان قوت یافته است؟
هر شاعر نویسنده‌ای به واسطه باورهای ارزشی خود به موضوعات نگاه می‌کند و برای بیان حرف و نظر خود از هر روشی که نیاز است، استفاده می‌کند. برای این سوال نمی‌توان نسخه واحدی پیچید؛ همان‌طور که شاعران زیادی داریم که به موضوعات آیینی و دینی توجه می‌کنند و شاعرانی هم هستند که سعی دارند دغدغه‌های شخصی خود را در شعرشان منعکس کنند. البته در افغانستان جشنواره شعر عاشورایی سالانه‌ای داریم که استقبال خوبی هم از آن می‌شود اما به‌خاطر آن که بیش از ۶۰ درصد مردم ما سنی هستند این موضوع از فراگیری کمتری برخوردار است.

چند سال پیش تسهیل سفر هنرمندان دو کشور در قالب ویزای فرهنگی مطرح شده بود، این موضوع به کجا رسید؟

این بحث توسط علی‌محمد مودب، مطرح و حتی نشست‌های خوبی هم برای به‌سرانجام رساندن آن برگزار شد. با وجود استقبال حسینی، وزیر وقت ارشاد و جنتی، وزیر بعدی اما خبری از آن نشد. مطمئناً تصویب شدن این طرح که مورد استقبال بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر ایرانی و افغانستانی قرار گرفت، می‌توانست ارتباط‌های عمیق‌تر و با‌بازدهی بیشتری را برای هر دو کشور فراهم آورد که بیش از هر چیز به نفع زبان فارسی بود.

منعت چاپ افغانستان در حال بهبود است



صادق دهقان استاد دانشگاه ابن‌سینای کابل و عضو هیات‌مدیره خانه ادبیات افغانستان است. با وی گفت‌وگو می‌خوانید.

فعالیت‌های ادبی شهر کابل چقدر مورد استقبال مردم و فرهنگ‌دوستان قرار گرفته است؟

با تاسیس خانه ادبیات افغانستان در سال ۱۳۸۷ و پس از پنج سال از تاسیس آن در تهران، فعالیت‌های آن به‌صورت جدی در کابل دنبال می‌شود. سلسله همایش شب‌های کابل که با محوریت نقد ادبی برگزار شد برای اولین بار در تاریخ ادبیات افغانستان اتفاق افتاد و در ادبیهشت امسال سی‌امین شب‌های ادبی کابل را با حضور دکتر مولایی برگزار کردیم. در کنار آن می‌توان به دو رویداد فرهنگی کتاب ماه و نقد و بررسی آثار اولی‌ها اشاره کرد که تقریباً به‌صورت مستمر تا امسال پیگیری شده است. ارتباط‌های مداوم و منظمی که با تهران داریم در قالب معرفی داور برای جشنواره‌ها یا تدارک نشست‌های ادبی در کابل با حضور شاعران و فرهیختگان ایران از دیگر برنامه‌های ادبی است که در کشور افغانستان دنبال می‌شود. کارگاه تخصصی ویرایش، نشست تخصصی خوانش متون کهن یا محوریت متون مرزبان‌نامه، کلبه و دمنه و...، چاپ مجموعه آثار خطاطی علی اوزنگ، نمایش تئاتر عروسکی در ایران، برگزاری جشنواره غزل افغانستان در هرات از جمله دیگر کارهایی است که تا به حال اجرا شده است.

بازار کتاب افغانستان چقدر متأثر از چاپ کتاب‌های ایران است؟

ادیبان افغانستانی فعالیت‌های جدی‌ای در چاپ کتاب دارند و این‌طور نیست که فقط از ایران آثار ادبی ارسال شود. صنعت چاپ و نشر افغانستان روزه‌روز در حال بهبود است و نسبت به گذشته، مردم از چاپ و کیفیت‌های پایین صفحه‌آرایی استقبال نمی‌کنند و با رواج و گسترش فرهنگ کتابخوانی شاهد هستیم که روزه‌روز صنعت چاپ و نشر ما رو به تغییر است. فرهنگ امانت‌داری کتاب، وجه بارز کتاب‌خوانان افغانستانی در مقایسه با ایران است. بسیاری از کتاب‌هایی که خریداری می‌شود پس از خواندن به افراد دیگری به امانت سپرده می‌شود تا اگر کسی به علت تنگدستی توان خرید ندارد از تازه‌ترین آثار ادبی بهره‌مند شود درحالی‌که در ایران به این موضوع خیلی کمتر توجه می‌شود.

شاعران ایران و افغانستان چقدر بر شعر همدیگر تاثیر گذار بودند؟

این تاثیرگذاری که ریشه در زبان مشترک دو ملت دارد در این سال‌ها همواره وجود داشته و به‌صورت دو طرفه بوده است. به طوری که در دوره‌ای شاعران ایرانی با الهام از غزل مثنوی محمد کاظم کاظمی، قطعاتی را سرودند و در دوره‌هایی هم اشعار شاعرانی چون فاضل نظری، علی‌محمد مودب و... در میان شاعران جوان افغانی مورد توجه قرار گرفته است.

در حوزه چاپ و تولید کتاب فعالیت شما به چه صورت است؟
مشکلی که وجود دارد این است وقتی اثری از شاعران افغانستان به‌صورت عادی روانه بازار شود خیلی کمتر مورد استقبال و فروش قرار می‌گیرد درحالی‌که همین کتاب اگر به نسخه انگلیسی منتشر شود و دوباره همان کتاب به‌صورت ترجمه در بازار چاپ شود، مورد توجه قرار می‌گیرد. نمونه این نوع کتاب‌ها در سال‌های اخیر کم نبوده است. تا وقتی نگاه مردم و بعضی مسئولان فرهنگی ایران که یک نگاه تمایزجویانه است، تغییر نکند، این چرخه عجیب را در ترجمه کتاب شاهد هستیم. درحالی‌که این ترجمه‌ها از زبان فارسی به یک زبان دیگر و دوباره ترجمه آن باعث می‌شود تا محتوای اصلی دستخوش تغییرات جدی شود و بسیاری از کلمات را در نسخه جدید نداشته باشیم.

فعالیت جدی و کسب درآمد شما از طریق کارهای فرهنگی و هنری است یا به کار دیگری مشغول هستید؟

زندگی من از راه آهنگسازی می‌گذرد البته در این مسیر با مشکل بزرگ مجوز روبه‌رو هستیم چون طبق گفته مسئولان مهاجرتی ایران، اتباع افغانستان باید در چارچوب‌های مشخص و شغل‌هایی که تعریف شده است، فعالیت کنند تا بتوانیم کارت اقامت خود را بگیریم به همین خاطر برای فعالیت خود مجبور به انتخاب شغل چوپانی شدم. خیلی از هنرمندان افغانی نیز به این صورت کارت اقامت خود را گرفتند.



کابل برگزار می‌شود. برنامه‌های نقد و بررسی آثار که به‌صورت مستمر برگزار می‌شود و جشن‌ها و جشنواره‌های فرهنگی و هنری نیز تقریباً به‌صورت سالانه در دستور کار است که تقریباً همه این موارد با همت خود اعضا صورت می‌گیرد و اگر کمکی هم می‌شود توسط ارگان‌های غیردولتی صورت می‌پذیرد و دولت افغانستان هیچ‌گونه کمکی به نهادهای فرهنگی و هنری برای ارتقای جایگاه ادبی افغانستان انجام نمی‌دهد.

فعالیت ادبی هنرمندان افغانستان در کشورهای دیگر چگونه است؟

فعالیت پررنگی که در ایران داریم قابل مقایسه با هیچ‌کجای دنیا نیست. البته دوستان در دیگر کشورها به‌صورت دوره‌ای نشست‌های دورهمی دارند ولی با‌خودهایی که در ایران وجود دارد را در هیچ‌کجای دیگر شاهد نیستیم. در مقوله موسیقی ارتباط‌های خوبی با کشور تاجیکستان وجود دارد و تولیدات موسیقی افغانستان بیشتر در تاجیکستان صورت می‌پذیرد ولی آن‌طور که باید این توجه در حوزه شعر وجود ندارد.

عارف جعفری از بنیان‌گذاران خانه ادبیات افغانستان و عضو هیات‌مدیره آن است. عضویت در دبیرخانه جشنواره ادبی قند پارسی، دبیرخانه سلسله همایش‌های نقد ادبی «شب‌های کابل» و شورای نویسندگان فصلنامه «فرخار» از دیگر فعالیت‌های ادبی جعفری به‌شمار می‌رود. از آثار ادبی جعفری، می‌توان به کتاب «از جنس پریشانی» و «چاپ دو مجموعه درخصوص بازسازی قطعات فولکلور هزاره‌گی افغانستان با همکاری خانه ادبیات اشاره کرد.

خودتان را بیشتر ترانه‌سرا می‌دانید یا آهنگساز؟

همیشه یکی از اعضای فعال خانه ادبیات افغانستان بودم که تقریباً در اکثر برنامه‌های شعری آن مشارکت فعال داشتم. سرودن ترانه بیشتر علاقه شخصی و برای تسکین دل خود است و خیلی کمتر پیش آمده تا برای خوانندگان دیگر ترانه‌ای را سروده باشم. حرفه اصلی من که از طریق آن امرامعاش می‌کنم و تمرکز بیشتری از ذهن من را به خود مشغول کرده ساخت ترانه‌های موسیقی‌های فیلم و خوانندگان افغانستانی است. به‌مرور زمان و با جدی شدن موسیقی فعالیت من در ترانه‌سرایی کمتر شد و متکی به سروده‌های شاعران دیگر شدم و بیشتر ملودی، ذهنم را به خود درگیر کرد.

تصویری را که از جایگاه ادبی و به‌ویژه شعر افغانستان وجود دارد چطور عنوان می‌کنید؟

در هر دوره‌ای دغدغه‌های متفاوتی بر جریان شعری ما حاکم شده است. زمانی غربت و دوری از وطن مضمون اصلی بود و کم‌کم این مسائل تبدیل به کلیشه شد و قطعات عاشقانه جای آن را گرفت. به‌نظم با توجه به اینکه در هر دوره‌ای موضوع و محوریت خاصی در کارهای شاعران مورد توجه قرار گرفته باید آن را با همان دوره مقایسه کرد و قیاس آن با دوره‌های دیگر کار اشتباه و غیرمنطقی است.

رویکرد مدیران دولتی در افغانستان نسبت به برنامه‌های ادبی و زبان فارسی چگونه است؟

در طول سال نشست‌هایی برای بزرگداشت شاعران افغانستان در